



## Research of Literary Texts in Iraqi Career

journal homepage: <https://motounadabi.razi.ac.ir/>



### Research article

Research of Literary Texts in Iraqi Career  
Vol. 2, Issue 4, Winter 2022, pp. 17-35

#### Convicted without Trial:

A critique of the research conducted on the "Nuskheye Nashekhe" Final version of Masnavi,  
Corrected and Rectified by Abdul Latif Abbasi and the introduction of its manuscript

**Zohair Tayyeb\***

Ph.D. Graduated in Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 26/11/ 2021

Acceptance: 23/ 02/ 2022

### Abstract

Persian literature has had widespread popularity and a large territory in the Indian subcontinent. During the reign of the Gurkhanids, especially Akbar Shah (984 S.H. / 1014 A.H.) and Shah Jahan (1044 S.H./1076 A.H.), the Persian writers of India created wonders in the Persian language and literature. One of these unique works is the correction and research that the secretary of the Shah Jahan's court, Abdul Latif Abbasi Gujarati, has conducted based on Masnavi Ma'navi by Maulana Jalaluddin Mohammad Balkhi, a great mystic, and poet of Persian literature. This work, which had not surpassed the manuscripts in our day, was recently published with the correction of the text and additional research, opening a new window to the study of the text of Masnavi (Abdul Latif Abbasi: 1400). This study indicates that some critical propositions on this work, have been raised in a general way without accuracy and sufficient contact with the text, and influenced by the public atmosphere around this work in scientific and literary circles. Therefore, there are errors concerning the reality of the work. Just as unverified praise suffers from the same complication. While introducing the manuscripts of "Nuskheye Nashekhe" Final version of Masnavi, this article deals with the course of previous research and judgments, and it tries to introduce the literary and historical values of this work to the researchers, outside the dust of general judgments. At the same time, without over-acknowledging and elaborating, this study invites researchers to know this work accurately and without prejudice and to enjoy its tangible and possible historical benefits.

**Keywords:** Masnavi, Abdul Latif Abbasi, Nuskheye Nashekhe, India, Correction and Rectification.

\* Corresponding Author Email:

tayyeb@ut.ac.ir



## پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی

وبگاه نشریه: <https://motounadabi.razi.ac.ir/>



### مقاله علمی

پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی

سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰ هـ، ش، صص ۳۵-۱۷

### محکوم بی محکمه:

(نقد پژوهش‌های انجام‌شده درباره نسخه مثنوی عبداللطیف عباسی و معرفی نسخ خطی آن)

زهیر طیب\*

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیریش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

### چکیده

ادبیات فارسی در شبہ قاره هند، صیتی گستردگ و قلمروی بزرگ داشته است. در دوران سلطنت گورکانیان به‌ویژه اکبرشاه (م. ۹۸۴ شمسی / ۱۰۱۴ قمری) و شاه جهان (م. ۱۰۴۴ شمسی / ۱۰۷۶ قمری)، ادبیات فارسی‌گوی هندوستان، شگفتی‌ها در زبان و ادب فارسی آفریده‌اند. یکی از این آثار بی‌تکرار، تصحیح و تحقیقی است که منشی دیوان شاه جهان، عبداللطیف عباسی گجراتی از مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، عارف و شاعر بزرگ ادبیات فارسی به دست داده است. این اثر که تا روزگار ما پای از نسخه‌های دست‌نویس فراتر نگذاشته بود، به تازگی با تصحیح متن و تحقیقاتی تکمیلی، به چاپ رسید و پنجره‌ای نو به متن پژوهی مثنوی گشود (عبداللطیف عباسی: ۱۴۰۰). این بررسی، بیانگر آن است که برخی از گزاره‌های نقدگونه بر این اثر، بدون تماس کافی و دقّت وافی در متن، به‌شکل کلّی و متأثر از فضای عمومی پیرامون این اثر در محافل علمی و ادبی، مطرح شده و طبعاً در نسبت با واقعیت اثر، خطاهایی در آن راه دارد. همچنان که ستایش‌های بدون تدقیق نیز به همین عارضه مبتلاست. این مقاله با پرداختن به سیر پژوهش‌ها و داوری‌های قبلی، ضمن معرفی نسخه‌های خطی نسخه ناسخه مثنوی، می‌کوشد تا ارزش‌های ادبی و تاریخی این اثر را بیرون از غبار داوری‌های کلّی، به پژوهشگران معرفی کند. در عین حال، بدون افراط در تصدیق و تأصیل آن، پژوهشگران را به شناخت دقیق و فارغ از پیش‌داوری از این اثر و بهره‌گیری از فواید تاریخی انضمایم و اشتمالی آن دعوت کند.

**واژه‌های کلیدی:** مثنوی، عبداللطیف عباسی، مولانا، نسخه ناسخه، هندوستان، تحقیق و تصحیح، تیموریان، گورکانیان.

## ۱. مقدمه

مثنوی معنوی، از مشهورترین کتاب‌های عرفان الهی در جهان است که محتوای آن از فرط غنا و بلند، از مرز زبان و ادبیات فارسی فراتر رفته و به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده و نشر یافته و موجب گسترش کاربرد زبان و ادبیات فارسی در کشورهای غیرفارسی‌زبان شده است. دانشمندان و ادبیان، تاکنون کوشش‌های گوناگونی برای تصحیح و تدوین نسخه‌های پاکیزه از این کتاب سراسر نور و شور ترتیب داده‌اند که در قالب صدھا نسخه خطی از این کتاب در آسیای صغیر و ایران و اروپای شرقی و دهها تصحیح و تحقیق از مثنوی مولوی از شرق تا غرب جهان به چاپ رسیده است.

یکی از کوشش‌های جالب توجه و کمنظیر در تصحیح مثنوی، تصحیح و تحقیقی است که دانشمند ادیب، عبداللطیف عباسی فرزند عبدالله گجراتی (۹۹۰-۱۰۵۹) از مثنوی معنوی با نام نسخه ناسخه مثنوی انجام داده است. این اثر هرچند با نام آن نزد مثنوی‌پژوهان و ادبیان شناخته شده است، اما تاکنون کسی متصلی تحقیق و چاپ آن نشده بود و این امر به رغم دشواری‌های آن، لازم می‌نمود.

در دوره حیات عبداللطیف عباسی و از آغاز زمان نگارش، وجود ایات و لواحق ناشناخته و بدیع در مقدمه و اشعار مثنوی، باب داوری‌های علمی و گاه سلیقه‌ای در مورد این اثر تاریخی را که بیش از ۴۰۰ سال از ایجاد آن می‌گذرد، باز کرد و در نخستین واکنش‌ها، بهدلیل فزونی ایات آن بر مثنوی‌های مشهورتر، مورد تردید برخی ادبیان و صاحب‌نظران قرار گرفت (فروزانفر، ۱۳۷۳: ۷-۸ مقدمه؛ سلیمانی، مجید؛ ۱۳۹۸؛ جهانبخش، جویا، ۱۳۹۷: ۱۲۱) برخی نیز آن را به جهت بسیاری نسخه‌های خطی پایه تحقیقش ستوده‌اند (روجبخشان، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳؛ حقیقی، فرامزام ۱۳۹۳: شماره ۵۵، ۸۱؛ حسینی، مریم، ۱۳۸۲).

از آن‌جاکه این اثر خود از شیوه‌های تحقیق متن و تصحیح بهره برده و برایند مطالعه هشتاد نسخه از کتاب مثنوی توسط جمعی ادب‌پژوه و متن‌شناس و ادبی است، بدین کیفیت، پژوهشی بی‌نظیر و بی‌تکرار تا روزگار ما درباره متن مثنوی است. هرچند انتقادهایی از بابت الحق ۱۷۵۲ بیت از آنچه که منتقدان بنا بر قرائن تاریخی آن‌ها را العلاقات مثنوی می‌دانند به این نسخه مطرح شده، اما:

- علو و ارتفاع ادبی و دانش مصحح و پیشی گرفتن او بر زمان خود از جهت به کارگیری شیوه‌های علمی معاصر در بیش از ۴۰۰ سال قبل برای تصحیح این متن والای ادبی؛

- گستره نسخه‌های مورد مقابله و مطالعه مصحح که تا امروز در هیچ تحقیق دیگری از متن مثنوی تکرار نشده است؛

- وجود نسخه‌های خطی درباری و نفیس در دسترس وی و گردآوری نسخ دیگر از اقصی نقاط با تکیه بر دربار شاه جهان که مصحح، منشی یکی از ارکان دربار او در کابل است؛

- پنج قرن فاصله زمانی کمتر بین مصحح و مولانای بلخ نسبت به ما که دست ما را از بسیاری از نشانه‌های تاریخی و استناد و مدارک و اخبار و احوال شفاهی و سنت‌های جاری در تاریخ کوتاه کرده و در آن زمان در دسترس و اختیار مصحح بوده است؛

- نوآوری علمی و پژوهشی شگفت‌آور و ویژگی شخصی و شخصیتی مصحح و محقق این اثر. توجه جدی و عمیق و درنگ و تأمل درباره آنچه در این تحقیق به انتخاب و مقابله و تصحیح او در مثنوی جای گرفته را برای پژوهشگران مثنوی معنوی و علاقه‌مندان به قرآن پارسی و اصول اصول دین می‌دانیم، بایسته و ضروری می‌نماید. طرد و رد کلی پژوهشی با این ابعاد، علمی نبوده و قبل از انتشار و خوانش دقیق و محققانه این اثر و بررسی ضبط‌های منتخب مصحح آن در مقایسه با گزینش‌های مصححان پس از او مانند نیکلسون، داوری کلی درباره این اثر را ناروا می‌سازد.

### ۱-۱. ادبیات پژوهش

درباره این اثر و نویسنده آن، چند بررسی علمی صورت گرفته است:

نخستین بررسی دانشگاهی در دسترس، مقاله «عبداللطیف عباسی گجراتی و نسخه انتقادی مثنوی معنوی-اش»، اثر پروفسور نذیر احمد و کبیر احمد جائی است (نذیر احمد و همکار، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲). این دو پژوهشگر هندی به خوبی از عهدۀ بیان شرح احوال و آثار عباسی برآمده‌اند، اما چندان وارد جنبه‌های تحلیلی متن نسخه ناسخه نشده و از بیرون، اثر را مورد شناسایی قرار داده‌اند.

پس از ایشان، کورش منصوری در مقاله «نسخه ناسخه و عبداللطیف» (منصوری، کورش: ۱۳۸۱: ۲۱۲-۱۸۰) با بازخوانی اطلاعات مقالات پیش گفته، نظم و تدوین بهتری به آن‌ها داده است. اطلاعات تاریخی و درون‌منی این مقاله، شناخت مناسبی به خواننده اثر می‌دهد، اما پرداختن به شواهد در حدی که برای پژوهش علمی، حد آماری قابل قبولی باشد، در آن مشاهده نمی‌شود.

مقاله «فرهنگ لطایف اللغات عبداللطیف عباسی گجراتی و ویژگی‌های آن»، (ماحرزی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۳)، تنها بررسی تکراری همان اطلاعات و داده‌های دو مقاله نخست است. دو مقاله دیگر در سه مجله دانشگاهی که به فاصله شش ماه و یک‌سال بعد از این مقاله منتشر شده‌اند، رونویسی بی‌نقصی از مقالات پیش گفته انجام داده‌اند که نویسنده‌گان آن را در این موضع معرفی نمی‌کنم. یکی از این دو مقاله کپی شده، به تازگی در مقدمه یکی از کتاب‌های عبداللطیف عباسی در بنیاد موقوفات افسار چاپ شده است. در همه این مقالات، تمرکز و توجه به احوال و آثار نویسنده است و کسی چنان‌که باید به متن اثر و مؤلفه‌های پژوهشی آن توجه نداشته است که بخشی از آن به دلیل خطی بودن کتاب بوده است.

### ۱-۱-۱. نقد پژوهش‌های پیشین

در بین مصححان، نیکلسون و در بین پژوهشگران، افرادی متعرض این تصحیح بوده و مدعی تصرفات بی‌حدّ و اشکالات بسیار در آن شده‌اند. شاید نخستین‌بار، مقاله «مشکل‌های شارحان مثنوی معنوی مولوی» (از جواد سلماسی‌زاده مجله وحید، آبان ۱۳۵۵، شماره ۱۹۷، صفحه ۵ تا ۴۷۳) چنین موضوع را مطرح کرده، آن‌جا که می‌نویسد: در خارج از ایران، عبداللطیف عباسی گجراتی سعی کرده است، در این موضوع (تهیه نسخه‌ای از مثنوی مولوی که قریب به زبان شاعر باشد) توفیقی به دست آورده، ولی تصور می‌شود به علت کثرت نسخه‌های تطبیقی، موفق نشده است. وی می‌افزاید: این مؤلف مدعی است که متن مثنوی چاپی خویش را بعد از مقابله با ۸۰ نسخه طبع و نشر کرده است. غافل از آن‌که همان کثرت مأخذ و نسخ، موجب اشتباهات فراوان شده است. به حدی که دفتر اول و دوم، در حدود ۸۰۰ بیت وارد دارد؛ یعنی در قبال هر ده بیت، یک بیت تحریف شده است.

خطای این گفتار، بی‌نیاز از توضیح برای خواننده است. چه، نه عباسی در دوره‌ای زیسته که چاپ و نشری در کار بوده باشد، نه نویسنده مقاله کوشش علمی مشخصی برای اثبات ادعای خود کرده و صریحاً آن را «تصوّر خود» برشمرده است و نه حتی آماری که درباره تفاوت تعداد ایيات می‌دهد و با یک شمارش سرانگشتی در کمتر از یک روز قابل پیمایش بوده، صحیح است.

همچنین حسن لاهوتی در مقاله «ادب و هنر مولانای ایران در میان هندیان نگاهی به شرح‌های هندیان بر مثنوی معنوی» (مجله اطلاعات حکمت و معرفت، بهمن ۱۳۸۷، سال سوم، شماره ۱۱، صفحه ۳۹ تا ۴۷) در صفحه ۴۱ در شرح حال و آثار عبداللطیف عباسی می‌نویسد: «عبداللطیف عباسی گجراتی (ف ۱۰۸۴/۱۶۳۹) در شرح حال و آثار مروی که مریدان خود را در گوشه خانقاہی، مکتبی یا مدرسه‌ای در گجرات مثنوی دانشمندی بود صوفی که هنوز از قرآن خود را در گوشه خانقاہی، مکتبی یا مدرسه‌ای در گجرات مثنوی می‌آموخت و از قرار معلوم به نسخه‌های دیگری هم که از مثنوی نوشته شده بود، دسترسی داشت و به آن‌ها هم مراجعه می‌کرد. ارادتش به مولانا جلال الدین محمد سبب می‌شود که با استفاده از روحیه پژوهشگر خود در صدد برآید، نسخه‌ای از مثنوی تهیه کند که مثنوی پژوهان را از مراجعه به دیگر نسخه‌های مختلف مثنوی بی‌نیاز سازد. در آن سال‌ها که هنوز از دانش تصحیح علمی و انتقادی متون و شیوه‌های دانشگاهی آن خبری نبود، عبداللطیف گمان می‌کرد که سبب افزونی و کاستی شماره ایيات هریک از نسخه‌های مثنوی آن است که کاتبی -خواه از روی سهو و خواه از سر عمد- برخی ایيات را حذف کرده است. از این است که همه ایيات مثنوی در همه نسخه‌های مثنوی نیست. به هر روی، می‌توان عبداللطیف را نخستین مصحح مثنوی خواند که از قرار معلوم، تصوری از ایيات الحاقی و تصرف کتابان

در متن مثنوی در سر نداشته است و از این‌روی نسخه‌های از مثنوی فراهم می‌آورد که همه ابیات هشتاد نسخه مثنوی را در بردارد. به عبارت دیگر، عبداللطیف عباسی نسخه‌ای از مثنوی فراهم می‌آورد که هرچه در نسخه‌های قبل از آن یافت نشود در آن نسخه یافت شود. او این کتاب مثنوی را نسخه ناسخه مثنوی سقیمه نامید که تحریرش به سال ۱۶۲۲/۱۰۳۲-۱۶۲۳ به پایان رسیده است. گرچه نیکلسون شارح و مصحح بزرگوار مثنوی آن را نسخه‌ای اعتماد کردند نمی‌داند، بسیاری از شارحان هندی به آن مراجعه می‌کرده‌اند... نیز پیداست که شارحان هندی مثنوی نیز به الحالات و تصرفات کاتبان مثنوی عنایتی نداشته‌اند و به هنگام شرح و بیان آن‌ها می‌کوشیده‌اند به هر وسیله‌ای که شده است، توجیهی بتراشند و پیش چشم خواننده بگذارند.»

امروزه و از خلال بررسی‌های تاریخی، مشخص است که: نه عبداللطیف، صوفی و خانقاہی و اهل صومعه بوده است؛

نه به شاگردانی، مثنوی می‌آموخته است؛ نه شیوه وی جمع همه ابیات بوده است؛ نه شیوه شارحان هندی، در نسبت مستقیم با ابیات الحاقی و غیرالحاقی بوده است که این، وظیفة مصحح است نه شارح.

لاهوتی در ادامه می‌نویسد: «باری، عبداللطیف، شرح خود بر مثنوی را بر اساس مطالبی فراهم آورد که ابتدا در حاشیه نسخه ناسخه مثنوی نوشته بود و بنابراین جای شکفت نیست که ابیات الحاقی و تصرفات کاتبان را نیز در ردیف سخنان جلال‌الدین محمد با کلام خدا و سخن پیغمبر سازگاری بخشیده باشد.»

به باور ما نقد راستین چنین کوشش علمی و تصحیحی، کاری نیست که با طرح برداشت‌های کلی چنان‌که مثلاً در مقاله «عبداللطیف عباسی و تصحیح مثنوی معنوی» (از عباس بگ‌جانی، نامه فرهنگستان، سال چهاردهم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۳۳۱-۳۴۶) با آن مواجهیم، مقبول افتند. نویسنده در این مقاله، تنها به داوری مبنی بر ذوقی کلی و بدون ذکر شیوه پژوهش و حتی تاریخچه و ادبیات موضوع، برای طرح بحث و بدون اثبات علمی، چنین ادعایی را بیان کرده است. وی در صفحه ۳۳۷ این نشریه می‌نویسد: «در نگاه او (= Abbasی)، این کمیت منابع است که جامعیت متن مصحح او را تضمین می‌کند. اتفاقاً غالب کسانی هم که درباره نسخه ناسخه سخن گفته‌اند، شمار زیاد نسخه‌ها را مهمنترین امتیاز کار عبداللطیف دانسته‌اند؛ غافل از این‌که همین کثرت نسخه‌ها به سبب بی‌توجهی عبداللطیف به مراحل علمی نسخه-شناسی، موجب ورود ابیات الحاقی بسیاری به متن شده است.» این نوشتار به هیچ وجه در دفاع از تصحیح

عبداللطيف عباسی نمی کوشد، اما نمی تواند چشم خود را به روی واقعیاتی از این قبیل که عباسی، ادیب و سخن‌شناس و منشی بزرگی به‌شمار می‌رفته و سال‌های سال با مثنوی مأнос بوده بینند. وی چنان پژوهشگر پیشرفته و آینده‌بینی بوده که شیوه‌هایی را که صدها سال بعد در ممالک غربی برای متن‌پژوهی رایج شد، سال‌ها زودتر در تصحیح خود از متن مثنوی به کار بسته است؛ چنان‌که می‌توان شاکله نوین انتشار آثار تصحیحی را در غرب، در ادامه و به تقلید از کارهایی که او و دانشمندانی چون او در شرق انجام داده‌اند، نسبت داد. قبل از بررسی جامع، کوپیدن بر طبل بی‌اعتباری و فرونوی ایات الحاقی نسخه ناسخه، کاری غیرعلمی است. پژوهشگرانی که عبداللطيف عباسی گجراتی را در کنار کتابانی می‌گذارند که او، خود، در مقدمه اثرش از تخریب‌ها و تأثیرات منفی آن‌ها به‌تدی سخن گفته، دچار خطای شناختی در درک وجه پژوهشی شخصیت او شده‌اند.

بهزاد برهان در مقاله خود با عنوان «نکاتی تازه درباره زندگی عبداللطيف عباسی گجراتی» (بهزاد برهان، ۱۳۹۴)، گمان نادرست گجراتی و احمدآبادی نبودن او را با بررسی درباره آن رد کرده و وفات او را با براهین نه‌چندان روشن، سال ۱۰۵۹ هجری قمری دانسته است.

بررسی ما نشان می‌دهد این گمان بر مبنای آنچه در نسخه ناسخه و تلاش‌کرده بتخانه با خوانش بهزاد برهان و دیگران انجام گرفته، احتمالاً صحیح است.

مجتبی مجرد و عبدالله رادمرد در مقاله «متن آرمانی به روایت عبداللطيف عباسی و هلموت ریتر» (مجتبی مجرد و عبدالله رادمرد، ۱۳۹۱) با مقایسه بیانات عبداللطيف عباسی در مقدمه این مثنوی و ریتر در مقدمه سوانح‌العشاقی بیان می‌کند: عبداللطيف نماینده جریانی است که در تصحیح متن، خود را حامی نویسنده می‌داند و درباره تک‌تک واژه‌های اثر، خود را مسئول انسجام‌بخشی و تعالی هنری اثر می‌داند، اما ریتر می‌خواهد کاشف نویسنده باشد، نویسنده آن‌طوری که هست نه آن‌طور که باید باشد. این تفاوت دیدگاه ناشی از آن است که نگاه عبداللطيف به مقوله تصحیح متن، نگاهی است فرهنگ‌ساز و سنت‌ساز و نگاه ریتر، نگاهی فرهنگ‌شناسانه و سنت‌شناسانه. عبداللطيف می‌کوشد مثنوی را بازتولید کند و ریتر می‌کوشد چنان‌که هست اثر را بشناسد. به همین دلیل نزد عبداللطيف، هدف از تصحیح، دست‌یابی به متن آرمانی است و نزد ریتر، دست‌یابی به نسخه آرمانی.

به بیان دیگر، عبداللطيف، رسالت مصحح را نه «کهن‌ترین و اصیل‌ترین گزارش» بلکه «هنرمندانه و پرمعناترین روایت از متن» می‌داند و در این میدان، تلاش و کوشش بی‌تکراری برای گزارش متن مثنوی براساس ده‌ها نسخه خطی که صلاحیت ورود به جرگه تحقیق او را پیدا می‌کنند، انجام می‌دهد.

فرخی، محدثه در مقاله «معرفی و بررسی تذکرۀ خلاصه‌الشعراء (بتخانه)»، (ادبیات فارسی، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۸، ۲۴ صفحه از ۱۶۹ تا ۱۹۲) در صفحات ۱۷۶ و ۱۷۷ زندگی‌نامه مختصری از عبداللطیف عباسی براساس منابع هندی به دست می‌دهد. بهزاد برهان، فحوای این مقاله را در مقدمه تحقیق خود بر کتاب لطائف المثنوی، ۲۱-۳۰ به تفصیل تکرار می‌کند. این پژوهش نیز مانند همه تحقیقات برشمرده شده از توجه به ویژگی‌های متن نسخه ناسخه بازمانده است.

## ۲. نقد کالبدی اثر

### ۱-۲. ویژگی‌های نسخه‌شناسی

خوانا، کامل و بی‌غلط بودن نسخه خطی و مشابهت خط، مرگب و کاغذ آن با نمونه‌های قبل و بعدتر در نسخه‌های خطی کتابخانه نور عثمانی شهر استانبول (قسطنطیه) ترکیه، مجالی برای طرح نسخه‌های دیگر در کنار آن برای مقابله در انتشار این کتاب باقی نمی‌گذارد؛ هرچند کمتر از عدد انگشتان دست ابهامات موجود در این نسخه را با نسخه مخطوط به تاریخ ۱۲۸۵ قمری به شماره ۴۱۳۵ مجلس شورای ایران تطبیق داده شده است. البته اگر روزی دانش‌پژوهی با حوصله و مشتاق، چنین تطبیقی را از سر تا بُن انجام دهد، کوششی شایسته خواهد بود. نسخه‌های شناخته دیگر از نسخه ناسخه مثنوی، گاهی یا خوانایی این نسخه را نداشتند یا مانند نسخه خطی ۱۲۹۷ مورخ ۱۰۸۵ ریبع الاول سال ۱۴۳۵ قمری در مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور دهلی، از ابتدا افتادگی دارند و از جهت تاریخ نیز بر نسخه ما متأخرند.

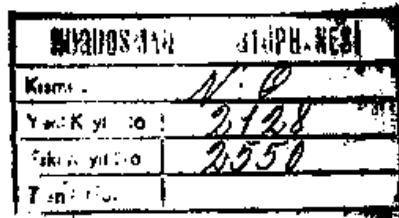
- نسخه مبنای ما (به شماره ۲۱۲۸ جدید و ۲۵۵۰ قدیم کتابخانه نور عثمانی استانبول) با مرگب سیاه روی کاغذهای آهارخورده بدون ته نقش که در سده‌های ۸ تا ۱۱ مورد استفاده وسیعی بوده (فرانسو دروش: ۱۳۹۵، ۵۷) و از روی ضخامت و بافت آن، می‌توان آن را کاغذ سمرقندی که کاغذی ضخیم و مستحکم با بافتی منسجم و صاف و به رنگ نخودی است، دانست نوشته شده و آثار محو و اثبات در آن دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، تحریری مرتب داشته و رونویسی (استنساخ) شده است. بنا بر قرائتی که از کالبد نسخه به دست می‌آید، این نسخه از کشور هندوستان به استانبول فرستاده شده و اثرِ خوردگی کاغذ در صفحات مختلف توسط حشرات، ردّ حضور نسخه در هندوستان را بر چهره خراشیده اماً استوار نسخه گذاشته است.

- نسخه خطی مورد استناد در چاپ حاضر، نسخه‌ای است که یادداشت‌های تملیکی آن در دوره سلطان عثمان دوم (مشهور به عثمان جوان) زیسته در ۱۶۰۴-۱۶۲۲ میلادی (۱۰۴۳-۱۰۲۵ قمری) تردیدی بر هم‌زمانی آن با دوران زندگی مصحح ارجمند آن عبداللطیف عباسی باقی نمی‌گذارد. بارها شاهد این موضوع در نسخه‌های خطی پادشاهی عثمانی بوده‌ام که کتابی با فاصله کوتاه یک تا دو سال از نگارش آن، به

کتابخانه‌های دیار عثمانی (ترکیه امروزی) رسیده است که حکایت از سرعت ارتباطات علمی آن روزگار و شیفتگی شاهان آناتولی به علم و فرهنگ بوده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
هَا وَحْدَهُ طَلَبَ الْجَهْنَمُ وَالْمَوْلَى الْمَسْكُنُ  
أَوْلَى الْعِزَّةِ عَلَيْهِ حَارِفٌ مُطْهَرٌ حَمْدُهُ لِلَّهِ  
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِنَّمَا يُحِبُّ بِالْإِيمَانِ  
سَمَاحٌ بِرَحْمَتِهِ لِلْمُسْكِنِ فَمَنْ كَفَرَ بِهِ  
مَحْمَدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ



### حجم اثر

تمامت شش دفتر مثنوی و حواشی آن در ۳۷۰ برگ و ۷۴۰ صفحه در شش مجلد که هم‌اکنون در یک جلد صحافی و نگهداری می‌شود، گرد آمده است.

### فضای کتابت اثر

در صدر تمام دیباچه‌ها و دفاتر، نام مقدس خداوند به صورت «هو» دیده می‌شود. در ابتدای برخی از بخش‌ها همچون فهرست مثنوی معنوی، عبارت «الله اکبر» که نشانه اکبرشاه گورکانی و تمثیلی از کیش الهی او (آیین برساخته‌ای که با رفتن وی منسخ شد و ترکیبی از هندوئیسم، زرتشتیگری و اسلام بود) است دیده می‌شود که بیشتر، نماد حکومتی آن مدتنظر مصحح که از منشیان دیوان گورکانی است، بوده است. نسخه،

عاری از پیرایه‌های تزئینی است که حکایت از قدمت و علمائیت آن دارد.

### تاریخ تکارش

انجام این مقابله و تصحیح مطابق مندرجات نسخه نور عثمانیه:

- از دفتر نخست تا دفتر سوم به سال ۱۰۳۱ (برگ ۱۲۴-الف)

- و از دفتر چهارم تا پایان دفتر ششم، به سال ۱۰۳۲ قمری بوده است (برگ ۲۴۸-الف) و در مقدمه دفاتر سوم و ششم به این موضوعات اشاره شده است.

- گویا بعداً نویسنده، دو دفتر نخست را هم دیگرباره در سال ۱۰۳۲ بازبینی کرده است (برگ‌های ۸-ب و ۷۳-الف)، اماً بعيد است ابتدا از دفتر سوم شروع کرده پس از انجام دفاتر چهارم و پنجم و شش به سراغ دفترهای اوّل و دوم رفته باشد و گمان ما در بازبینی و دوباره نویسی دفاتر اول و دوم، منطقی‌تر است.

- وی در تصریح به این مطلب می‌نویسد: «دیباچه لطیف، انصرام یافته» تاریخ اتمام این دیباچه است (۸-الف) (ارزش ابجدی این عبارت، ۱۰۳۲ است) این سال‌ها سال‌های اوّج عباسی بوده است؛ چنان‌که وی کتاب خلاصه الشعرا خود را نیز در ۱۰۲۱ به رشتۀ تحریر درآورده است (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۵۹۰/۱).

### کاتب

کاتب نسخه مستند نسخه حاضر، خالقداد، ولد شاه محمد بوده است (برگ ۳۱۴-ب) که در پایان دفتر تحریر دفتر چهارم مثنوی، نام وی یاد شده است. چنین نامی در آناتولی مسبوق نیست و کاتب اثر، هندی است.

### ۲-۲. ویژگی‌های ساختاری کتاب

نویسنده در ابتدای هر دفتر، فهرست جامعی از مطالب آن دفتر با ذکر شماره ترتیب قرار گیری آن در آن دفتر نوشته است. وی به این شیوه در مقدمه اثر خود پرداخته است و آن را مایهٔ صیانت از بافت متن می‌داند (تصویر بعدی).

رہنماء اول مسٹر میڈیوی میمنو سے

لکھیں  
دیاں املاک و ملک  
کو اپنے سارے اوقات بخوبی  
بکھر کر رہے ہیں جیسا کہ اپنے اوقات  
دیکھتے ہیں جیسا کہ اپنے اوقات

این از در هفت سر حکایت باشد شاه و عما  
لی هر شدن عجیب حکایت از خداوندی ایل بوئین در  
شدن بران گزیر کار آذخالی بیان گزیر کنم  
تو فتن و رعایت ادیم

هر دن پادشاه آن را بگیرد خودن طبیعت آن وظی دریافتی این وظیفه را  
میانیت آن پادشاه باوی کند درخواستش میزدند از این پادشاه باید کسی که  
درخواستش میزدند این سعادت شاهزاده باشند و عرضه داشتن سعادت شاهزاده

فرستادن پادشاه سولان<sup>۱</sup> در میان این کشورت زرگری باشد حکایت تقال و طوطی در فرق میان محنت و خوش بگردید با خود روند زرگریم اکنی بودند هر چهاری نفر نهاد روزگری خوبی در کران دمحن و مبلل<sup>۲</sup>

داستان پادشاه جوکر	امور ختن و زیر کر	لشیز بر بالهاری هنگی	قول کزان نصاری
نمرای ایشان امیکشت	شنا	النقر شنا بر و در ختن خانه	شکر زیر راه
۹۱۰۵	۹۱۰۵	کرشن	تیغه هنگی
متابعه نصاری این دزیر جوکر	دیگری عرف حلال و حرام	تصدیق اتفاق این زمان	دو شرط پیغامبر و مسیح
۹	۹	۹	۹

حصہ دوں آنے

به صراحت برگ نخست، نسخه اصلی این اثر در شش مجلد مستقل، نظام یافته تا خوانندگان مانند اجزاء قرآن، هم‌زمان بتوانند از هر شش دفتر به طور جداگانه بهره ببرند (الف).

شتر دنر این کتاب را علیه دارد و جدا از شش مجلد با محبت جلد کردند که در اتفاق اع و استفاده طالب این شن بوجه انم داشم و اکمل است اول انگردی مجلس انس این جمی از مطالعه و تراپه بده جمال با کمال عروسان با کاره بیرون از این چن حقیقت و طریقت مخفی نظر و غریبت تو اند شد و این معادث در مجاہل ارباب شریعی و ایجاب و حقیقت نظر را فرمودند زدنی است دوم از کسی خواهد ازین شنی بلطفه صحیحی برادر و خدیره غیری برای خود بود است از دو شش کتابت دیدند که سه نیام تو اشند کردند اشکان ب امان شرود و انتشار امداد امام که در امثال این کتب شرق اند من الموت است در تحریر و تصحیح و مقابله و تضیییج ارباب شرق نمایند سیم از مستقیمی جست مطالعه و لاحظه بود امروزانه خواهش نمایند ب اسرار طبع و فقرت شتر دفتر از دست راه شرود بکار رکن کاره بکاره خاصیت این کتاب شرق اینکنرا مجموعی دیگوری مطلوب شکل از ای فراق کرد چهارم هر وقت و هر جا در پرتوی نمایی سکرایب با این رفاقت میانش و همکردا مزدی از دنی از دست را که طبیعت خواجه همراه کرد اندن بایخود داشتند ب این حال این شرود چشم شتر دفتر ساختن در بر و فقرت دیباچه علیه دو شش حرفت موکبی همی اینکه این کتابت در شش جلد علیه دهد مکمل باشد و فیض این بکرس از عالم شش جلت در شش جلت علم محظوظ امثال جلت شتر کرد و الازم نهاد مکونی شده که اراده خاطر فیاض حرفت موکبی این بود که این شن بایخود از این بیچ سخن مرتب شرود از بیشتر قدر فرمودند که سه ای جیات در حمام الدین بیمهل میگردند از این ساده شش جلت از ده دین بیضیه کی بیرون حول من المطیف شتر خون این کتاب میمیت اضافه بخوبی و غصه و تغییر و تشخیص و کیفت و کیفیت صوری و مسوی از اسایر مثنویات عالم ممتاز و مکشنی است سه جلد کرد و اسد و قایه خلک داشت هم تراز که دامتیازی در اشتباخت و اینکه مرجح استهاده و انتشار این شنی و نفع و ناسخ در شش جلت عالم شرود شناور و خود هسته عذکرده که بایعه شرود استهاده طالب ایشان در دنر را علیه دهد کردند که میگذرد که اسکن کرد اینه مشد ایند که این شن و سکان جماد مدد عالم از رکات این کتاب طلب متنید و ببر و در کنفرم بحقیقی و ایام و این طایف الموسی

ذیل تمام اوراق نسخه، رکاب یا نخستین واژگان صفحه بعدی به دقت نوشته شده تا نسخه در زمان

بازنویسی یا صحافی، از هر گونه بی نظمی و آشفتگی در امان باشد.

چند جمله  
شترت کواد و فردا اس ای  
چون خطا آید بیل بیل بیل  
ای هی بیس جمله علمایی

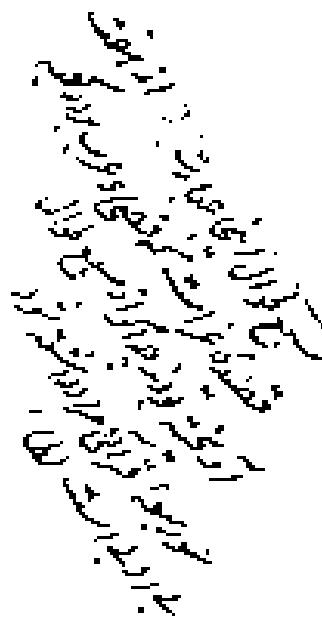
چند جمله  
شترت قاع فنیم و میز رز  
شترت قاع فنیم و رز شتره  
ای هی بیس جمله علمایی

ای دعا

وی در ابتدای نخستین فهرست، توضیحی داده است: «در پای هر سرحدکایت و داستان، موافق هندسه

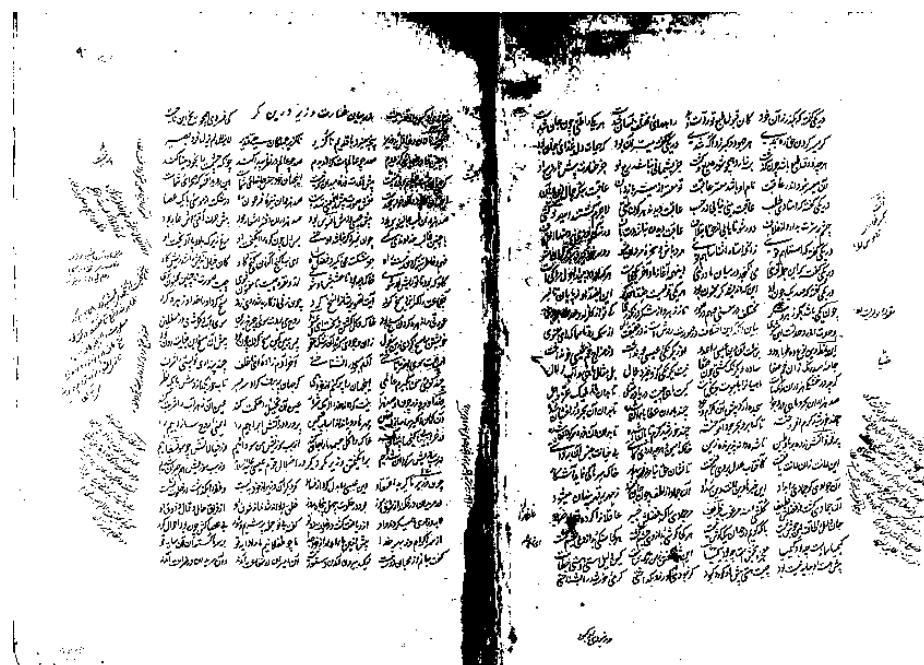
که تعداد اسات آن است، قابا مشاهده است. این ویژگی در تمام کتاب رعایت شده است.

زیر تمام توضیحات ایيات رمز «لط» و «لط» در موارد کوتاه یکی دو کلمه‌ای یا عبارت «من لطائف المعنی» در عبارات طولانی تری ذکر شده که نشان از دقّت نویسنده دارد.



متنِ مشوی در مرکز اوراق نوشته شده و از هر سو پنج سانتی متر برای نوشتن شروح سفید گذاشته شده است. متن، به خط نستعلیق خوش، با مرکب سرخ، عناوین و سیاه، متن آن نوشته شده است.

در ابتدای هر بخش مثنوی (هر عنوان) تعداد ایيات آن با عدد نوشته شده است که در هیچ یک از نسخه‌های مثنوی چنین دققی از سوی کاتب یا مصحح به عمل نیامده است. این اعداد با مرگ سرخ نوشته شده است. اعدادی نیز در میانه بخش‌ها درج شده که کاملاً شیوه شماره پاورقی‌هایی است که امروزه در کتاب‌ها درج می‌شود و جالب توجه است.



نسخه مورد استناد، علاوه بر متن نسخه ناسخه مثنوی، حاوی بخش زیادی از کتاب لطائف المثنوی که

توضیحات ادبیانه و محققانه مصحح این نسخه جامع می‌باشد، است.



تصویر آغاز نسخه خطی



تصویر برگ پایان نسخه خطی

### یافته‌های ما

علاوه بر آنچه آن پژوهشگران بدان دست یافته‌اند، مواردی هم در بررسی ما به دست آمده است که برای تکمیل و تتمیم بیان می‌شود:

#### الف) ادب و نویسندها و منشیان معاصر عباسی

محمد صالح کنبو در کتاب عمل صالح از او در زمرة هم‌سلکانش نام برد است: «از دیگر کاتبان و منشیان معروف دوره گورکانی، میرزا جلالی طباطبایی یزدی که در نشر ید بیضا می‌نماید و در فن انشاء و نگارش و ترسیلات، طرز نو به وجود آورده و سخن را جان می‌بخشد؛ افضل خان که در نثر، دستی تمام داشت؛ سعدالله خان که در انشاء‌پردازی، سحر سامری به کار می‌برد؛ اشرف خان که در نامه‌طرازی و نامه‌پردازی و عبارت‌آرایی، ید بیضا می‌نمود؛ عبداللطیف گجراتی که بر آین نثر، اشرف داشت؛ عبدالحمید لاهوری که در فن انشاء، کامل است؛ محمد وارث که در فن انشاء، مهارت کامل داشت؛ میزا آمینا که قاعدة فن انشاء را خوب می‌شناسد؛ شیخ عنایت‌الله که در آئین سخنوری، صاحب طراز و سرآمد تازه‌نویسان است و نثرش بسیار بامزه و متین و پرمعنی است؛ حکیم حاذق که در نظم و نثر از دیگران کم نمی‌آورد؛ شیدا که در نثر نیز دستگاه بالا داشت؛ ملا محمود جونپوری که هنگام نگارش، مراتب سخن را دل می‌داد (Amal-i

### ب) روشنندی تصحیح عباسی

علاوه بر نسخه ناسخه، وی در مقدمه برخی دیگر از آثار خود نیز بر موازین علمی تصحیح متن و لزوم رعایت آن‌ها سخن می‌راند. وی در خلاصه‌الشعراء خود که مقدمه‌ای به قلم خودش بر منتخب اشعار شاعران بزرگ فارسی‌گو به انتخاب استاد وی، محمد صوفی مازندرانی است و به سال ۱۰۱۰ قمری در عهد شباب اوست، می‌نویسد:

«بر ذمّة حق گزاری و سپاس‌داری، لازم دانست که نظر بر استحقاق و استفال این مرتب نکرده و چشم از حُسن و قبح این مقدمه پوشیده، چند کلمه‌ای بر سیل یادگار نگاشته، قلم شکسته رقم گرداند تا هر کس به مطالعه این کتاب فائض گردد، داند که جامع این نسخه کیست و در چه وقت و چه زمان ترتیب یافته و به طفیل این بزرگان، نام کمنام کمترین نیز که در مقابله و تصحیح این، مکرر، جان‌ها کنده، مذکور السنه و افواه ارباب فضل و کمال گردد. چه اگر این نبودی، به مُور سین و دُهور چنان شدی که ارباب فهم از اصل کتاب و اشعار آبدارش محظوظ شوند، اما سبب تألیف و اسم مُتّخِب و بزرگی که باعث انتخاب بوده و تاریخ جمع کتاب بر کسی ظاهر نباشد و تفصیل احوال مذکوره بر ابنای ازمنه لاحقه، مخفی مائد» ( Abbasی، عبداللطیف، ۴).

وی شیوه‌شرح و تصحیح را در مورد کتاب حدیثه‌الحقیقه که آن نیز یکی از استوانه‌های ادب عرفانی فارسی است در پیش گرفته و کتاب لطائف‌الحقائق را در تصحیح و شرح غوامض حدیقه به رشتہ تحریر درمی‌آورد که شأن آن در ادب فارسی، چنان که بایسته است، شناخته نیست.

وجه شارح عبداللطیف عباسی بیش از وجه مصحح او در بین خوانندگان و ادب‌دوستان، شناخته شده است. وی با نگارش کتاب لطائف معنوی در شرح ایات مثنوی مولوی، در بین شارحان قرن یازدهم شناخته است، اما به رغم شهرتی که نسخه ناسخه او دارد، جز چاپ عکسی نسخه خطی این کتاب، کسی متصلی انتشار آن نشد که بیشتر به جهت انتقادهایی است که از بابت ایات الحقیقی به این اثر می‌شود. حال آن که چنان که توضیح دادیم، دسترسی وی به نسخه‌های کهن، دست کم بررسی دقیق و عمیق بر روی تفاوت‌های این نسخه و نسخه‌های دیگر به ویژه تصحیح‌های صورت گرفته از مثنوی را برای هر پژوهشگری بایسته می‌سازد.

### ۳-۲. مسئله تفاوت تعداد ایيات

مطابق شمارش لاهوتی در تصحیح نیکلسون، «دفتر اول مثنوی» در تصحیح رینوالد نیکلسون، ۴۰۰۳ بیت دارد (حسن لاهوتی، ۱۳۹۳). مطابق شمارش مشتاق مهر در مقاله خود، دفتر اول مثنوی نسخه قونیه، ۴۰۱۸ بیت دارد (مشتاق مهر، ۱۳۹۸: ۷۱). مطابق شمارش ما از نسخه ناسخه مثنوی، گزارش عبداللطیف عباسی از دفتر اول نسخه ناسخه ۴۲۲۷ بیت دارد.

این شمارش در مورد سایر دفاتر نیز انجام گرفته است که نتیجه آن در جدول زیر منعکس شده است. افزون بر این، دیباچه‌ها و مقدمه‌هایی بر متنوی در نسخه او وجود دارد که در تصحیح نیکلسون نیست و به قرائن ادبی و محتوایی، به هیچ وجه نباید از کنار آن‌ها بی‌تفاوت و با پیش‌داوری، رد شد.

تفاوت	ناسخه	قوینه	تفاوت	ناسخه	نیکلسون	مقابله
209	4227	4018	224	4227	4003	دفتر ۱
330	4152	3822	342	4152	3810	دفتر ۲
404	5215	4811	405	5215	4810	دفتر ۳
215	4074	3855	219	4074	3855	دفتر ۴
271	4511	4240	273	4511	4238	دفتر ۵
302	5205	4930	289	5205	4916	دفتر ۶
۱۷۳۱			1752			جمع کل

#### ۴-۲. لزوم تطبیق لطائف‌المعنوی و نسخه ناسخه

نسخه ناسخه اعم از کتاب لطائف‌المثنوی است و هرگاه در پی شناخت تمام نکات مورد نظر عباسی درباره متن مثنوی برآیدم، بایسته است که کتاب لطائف‌المعنوی با حواشی این اثر مطابقت داده شود و اجتماع مطالب این دو اثر در قالب حواشی لطائف‌المثنوی به چاپ رسد. امری که بهدلیل دشواری و صعوبت تصحیح و انتشار کتاب نسخه ناسخه و درازدامن بودن آن، صورت نگرفته بود، اما اینکه با انتشار نسخه ناسخه، مسیر آن هموارتر شده است.

آنچنان که بسیاری از متن‌پژوهان، شیوه شناخت متن با متن (یفسر بعضه بعضاً) را از دیرباز به کار گرفته‌اند، این شیوه در شناخت ابعاد فکری، ادبی و تاریخی این اثر نیز کاربرد داشته و می‌تواند موضوع پژوهش‌های متعدد و متنوع دانشگاهیان و ادبیان و هندپژوهان و عرفان‌پژوهان باشد.

#### ۳. نتیجه

ضمن معنّی نسخه خطی تصحیح عبداللطیف عباسی گجراتی، با رد پیش‌داوری‌هایی که درباره وی بدون بررسی عمیق و جامع بر آن صورت گرفته است، قلهٔ پرافتخار پژوهش‌های ادبی بزرگ و راه‌گشای فن تصحیح در متون ادبی فارسی است که ریشه‌های هندی این دانش را به ما یادآور می‌شود. امری که در قریب به اتفاق مطالعات صورت گرفته درباره تاریخ پژوهش‌های تصحیحی، نادیده گرفته شده یا داد آن، چنان که استحقاق دارد، داده نشده است.

ما نمی‌توانیم در برابر گزارش پژوهش یک ادیب بزرگ و دیوان‌دار مانند عبداللطیف عباسی بی‌تفاوت

باشیم و خود را با پیش کشیدن موضوع نسخ اقدم و بررسی‌های انجام گرفته روی متن مثنوی تا امروز، از بررسی دقیق آن معاف کنیم.

نگاه پژوهشی و علمی شایسته، آن است که:

- با توجه و دقّت عمیق به گزارش بی‌غرض عباسی مبنی بر «انتخاب بهترین نسخه‌های مثنوی از اقصی نقاط ایران و هند به دستیاری ادبی بزرگ» که اتفاقاً برخی از ایشان از زادگاه مولانا بلخ بوده و بی‌هیچ شبّه‌ای از ما در تشخیص خصائص سبکی و لهجه و زبان مولانا صالح‌تر بوده‌اند؛

- با درنگ در دیباچه او مبنی بر «همکاری مشترک با دانشمندان و ادبیان برگزیده او که خود ادبی چیره- دست بوده است» که چنین شیوه‌ای، شائبه هر نوع سوداری در پژوهش را منتفی می‌کند؛

- در نهایت، عطف توجه به گزارش او مبنی بر «مقابلة متن مثنوی با ده‌ها نسخه خطی انتخاب‌شده، بالغ بر ۸۰ نسخه خطی» که تا امروز مشابهی در جهان مثنوی‌پژوهی نداشته است، بررسی دقیق و موشکافانه و توجه شایسته و بایسته‌ای به این متن بیندازیم و پیش‌داوری‌ها را به بازیبینی و اصطکاک با متن تبدیل کنیم تا از این رهگذر، فواید بسیاری در اختلافات و اشتراکات آن با تصحیح‌های دیگر از مثنوی مولوی به دست آوریم.

### پژوهش ما

در نخستین و تنها چاپ از نسخه ناسخه مثنوی، ما این اقدامات را برای راحتی کار پژوهشگران انجام داده‌ایم:

- تمام شش دفتر با نسخه نیکلسون تطبیق داده شده است. موارد اختلاف نیکلسون در زیر متن یادداشت شده است؛

- آیات و روایات و عبارات عربی، اعراب و شکل یافته و ترجمه شده‌اند؛

- حواشی عبداللطیف که اعم از لطائف المثنوی است به نسخه منتقل شده و در موضع مورد نظر عباسی، به صورت پاورقی آورده شده است.

### منابع

- بهزاد برهان (۱۳۹۴)، «نکاتی تازه درباره زندگی عبداللطیف عباسی گجراتی»، مجله شبّه‌قاره (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، بهار و تابستان، شماره ۴ صص ۲۲۱-۲۲۸.
- جهانبخش، جویا (۱۳۹۷)، «نامه‌ها (پاسخ به گزارش ناقدانه)»، آینه پژوهش، مهر و آبان، شماره ۶۴، ۱۲۱.
- لاهوتی، حسن (۱۳۹۳)، تصحیح شرح مثنوی نیکلسون با تطبیق با نسخه قوونیه، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- حسینی، مریم (۱۳۸۲)، «عبداللطیف عباسی بزرگ‌ترین مصحح و شارح حدیقه در حدیقه‌الحقیقت و شریعة‌الطريقه»، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

حقيقى، فرزام (۱۳۹۳)، «تصحیح از نظر جامی و کار کرد آن در شرح لمعات عراقي»، آينه ميراث، پايزى و زمستان، شماره ۵۵،

۸۱

روح بخشان، عبدالمحمد و فرانسيس ريشار (۱۳۸۵)، کتاب ايراني، تهران: مرکز پژوهشى ميراث مكتوب.

سليماني، مجيد، بخارا ، فوردين و اردبیلهشت ۱۳۹۸ - شماره ۱۳۰ (۱۵ صفحه - از ۴۶۱ تا ۴۷۵).

ماحوزى، مهدى؛ محمود طاووسى و احمد غلامى (۱۳۹۳)، مقاله فرهنگ لطائف اللغات عبداللطيف عباسى گجراتى و ويژگى های آن، مجله مطالعات شبهقاره، تابستان، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۶۴-۴۷.

عباسى، عبداللطيف (بي تا)، خلاصه العشاء، مقدمه بر تذكرة بتخانه ملامحمد صوفى مازندرانى، نسخه خطى شماره ۱۲۰ مجلس شورا، صفحه ۴.

عباسى، عبداللطيف (۱۴۰۰)، نسخه ناسخه مثنوى، به تصحیح و تحقیق: زهیر طیب و همکاران، تراث اسلامی دارالتراث.

فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۷۳)، شرح مثنوى شریف، تهران: علمي فرهنگى.

گلچين معانى، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ تذکره هاي فارسي، تهران : کتابخانه سنابي.

مجدد، مجتبى و عبدالله رادمرد (۱۳۹۱)، «متن آرمانى به روایت عبداللطيف عباسى و هلموت ریتر»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۷، پايزى و زمستان، صص ۴۱-۵۰.

مشتاق مهر، رحمان (۱۳۹۸)، «نسخه مثنوى مورخ ۶۷۷ قونيه و چاپ های متعدد مبنی بر آن»، نشریه زبان و ادب فارسي، بهار و تابستان، شماره ۲۱۵، صص ۹۹-۶۵.

منصورى، کورش (۱۳۸۱)، «نسخه ناسخه و عبداللطيف»، نشریه قند پارسى (رایزنی فرهنگى ایران در هند)، شماره ۱۷.

ندیز احمد، کبیر احمد جائسی (۱۳۷۲ و ۱۳۷۰)، «عبداللطيف عباسى گجراتى و نسخه انتقادى مثنوى معنویش»، نشریه آينده، سال ۱۳۷۰، شماره ۵ و سال ۱۳۷۲، شماره ۱ و شماره ۴.

lahor: مجلس ترقى ادب، ۱۹۵۸-۱۹۶۰، Amal-i šālih, al-mawsūm bih, Shāh'jahān nāmah, شماره ۱ و شماره ۵، شماره ۱ و شماره ۴،  
Muhammad Šālih ,BA73965679.

